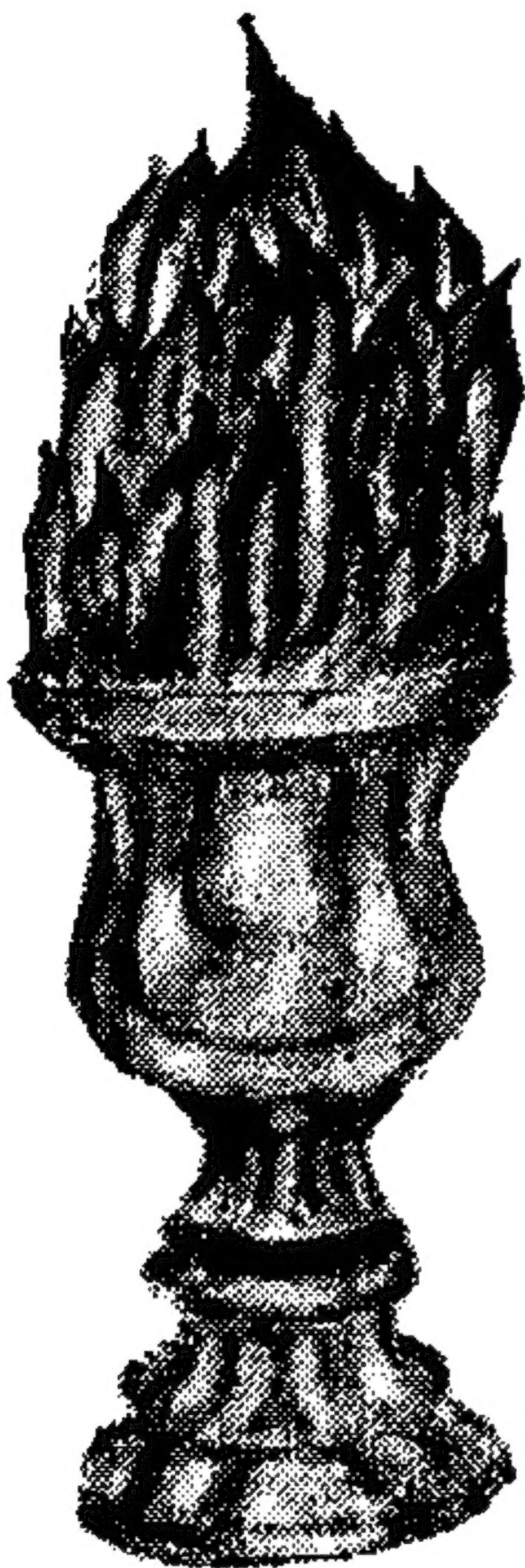


نوشته: دکتر فرهاد آبادانی

تاریخ مهاجرت پارسیان به هند

سال ۶۴۱ میلادی‌درتاریخ زرتشتیان یکی‌ازسالهای‌پررنج وبدبختی‌ومصیبت بوددرهمین سال‌بود که‌اجداد وگذشتگان زرتشتیان درجنگ نهاوند ازاعراب شکست‌خورده و امپراطوری عظیم وباقدرت ساسانی بآخررسید .

قوم مغرور غالب بزرتشتیان مغلوب‌قرآن وشمشیرپیشنهاد نموده‌که‌از آن میان یکی را برگزینند. اگرچه‌آن شکوه وجلال وقدرت امپراطوری عظیم ساسانی‌خرد ونابود گردیداما آن فکروسعت نظرایرانی وغیرت وهمت‌او بـرای نگهداری‌دین آبـاء واجدادی وآن شجاعت و دلیری‌رام نشدنی اونه مغلوب اعراب ونه‌قوم‌غالب‌توانست که‌آنرا محو یابکلی‌نابود نماید در حالیکه شبه‌مخوف‌مرگ وانهدام برچهرهٔ فرزندان جمشید وانوشیروان سایه‌انداخته بودولی در قلب‌آنها آتش مهر ووطن و وفاداری نسبت بآئین آباءواجدادی شعله‌میزد وازتمام خوشیهای ظاهرچشم پوشیدند و باخودوخدای‌خود عهد بستند که‌برای‌نجات‌وآزادی دین‌ایران‌از هیچگونه فداکاری خودداری ننمایند و ترجیح دادند که‌بنام یکنفر زرتشتی بآغوش مرگ شرافتمندانه پناه ببرند . عده بیشماری ازدم شمشیر اعراب گذشتند و بسیاری نیز خواه و ناخواه جملهٔ (لااله‌الاالله محمدا‌رسول‌الله) را برزبان راندند. درحالیکه درقلب نسبت بگفتار پیغمبر ایران «اندیشهٔ‌نیك. گفتارنیك. وکردارنیك» معتقد بودند ودرزیر لب زمزمه میکردند با این وضع امپراطوری ساسانی بآخر رسید وعده‌دیگر از فرزندان‌ایران که حفظ‌دین‌وکتاب آسمانی‌ایران را خواستار بودند بازحمات فراوان ازجزیرهٔ هرمز بجانب هندوستان وبسوی برادران‌آریائی خود پناه بردند ودرحمایت ومهمان‌نوازی آنها قرار گرفتند وتاامروز کـه متجاوز ازدوازده قرن میگذرد در میان جمع‌برادران هندی بسرمیبرند و مانند الماسی درخشان و باتمام قوای مادی ومعنوی درراه ترقی‌وپیشرفت وطن‌ثانی خود میکوشند اما هرگز ایران‌را فراموش‌ننموده وبهر نحوی که توانسته‌اند نسبت بمام‌میهن‌وفاداری خودرا ثابت‌کرده‌اند .

خوشبختانه برای ایندسته آواره وتبعید ازوطن جائی بهتر از هندوستان یافت نمیشد. زیراایرانیها بامردمانی روبروشدند که اولا از یك‌نژاد وثانیا درمهمان‌نوازی‌و مهربانی‌وشفقت قلب دست‌کم‌از ایرانیها نداشتند.

داستان‌ورود پارسیان بسرزمین‌هند مفصل‌است‌واز حوصله این‌مختصر خارج‌وخوانندگان میتوانند بمدارك مربوطه‌مراجعه ومطالعه نمایند. دربدو ورود وتاقرنها پارسیان بکار زراعت‌و آداب ورسوم مذهبی روزگار را بآسودگی‌طی میتودند و بزبان وادبیان هندوستان هم‌کم وبیش آشناشدند ولی زبان‌فارسی‌را همیشه باعلاقه‌وهرچه‌تمامتر تایکصدسال‌قبل حفظ نمودند اماامروز متاسفانه زبان فارسی ازمیان پارسیان داردرخت برمی‌بندد و جای‌خودرا به زبانها انگلیسی و فرانسه وآلمانی وغیره میدهد. برعده‌کسانیکه در دبیرستان یادانشگاه زبان فارسی را بجای زبان دوم‌انتخاب‌کنند روزبروز کاسته‌میشود. ازقرن هفدهم‌میلادی به‌بعد پارسیان بکار تجارت و صنعت وغیره‌دست‌بردندودراین‌راه‌پیشرفتهای‌قابل‌توجه‌نمودندولی‌پس‌ازتسلط‌انگلیس‌برهندوستان این مردم درتمام رشته‌های صنعت وتجارت وعلوم‌ترقی بسیارکردند تابجائی که درمیان اقوام مختلفی که در سرزمین پهناورهند زندگی‌میکنند برجسته‌تر ونام‌بردارترشدند. همانطور که در تاریخ چندسال‌اخیر پارسیان ذکراست در سال ۱۷۶۵ یکنفرپارسی بنام (هیرجی‌ریدی‌منی) اولین شخص‌است که‌از هندوستان برای برقراری روابط‌تجارتی بین‌چین وهندوستان‌بآن‌کشور رفت بازهم درسال ۱۷۵۰ میلادی یکنفرپارسی بنام (لوجی‌وادیا) بود که‌در شهر بمبئی اقدام به‌بنای اسکله‌نموده (دادیائی انوشیروان‌جی)درسال ۱۷۷۶ میلادی‌برای اولین‌باردرشهر‌بمبئی اقدام بتاسیس کارخانه نخبافی کرد نه‌تنها درشهر بمبئی بلکه در بیشتر شهرهای‌مهم‌هندوستان برای اولین‌بار پارسیان اقدام بتاسیس کارخانجات مهم نمودند. پارسیان آنروز در برقراری روابط تجارتی بین هندوستان وانگلستان وچین وسایر ممالك پیش‌قدم‌شدند ودر دوقرن‌اخیر بود که بزرگانی چون (ردی‌منی‌ها) (وبناجی‌تا) (ووادیاها) (ودادشت‌ها) و (جمشیدجی‌ها) و (کامی‌ها) و (جی‌جی‌بائی‌ها) و (پتیت‌ها) و (مهرجی‌ها) و (بمدن‌واله‌ها) و (تاتارها) و سایـر اسامیکه برای همیشه مایه افتخار جماعت پارسیان بوجود آمده‌انــد . پارسیان سالها نسبت بسلطنت انگلیس وفادار ماندند وچنان‌راستی ودرستی وصداقت وامانت‌را از خودنشان دادند تابجائی‌که رستم‌مانك پارسی از طرف‌شرکت هند شرقی‌برای خریدوفروش وغیره مورداطمینان شرکت واقع‌شد. سال ۱۶۸۸ وقتیکه شهر بمبئی بتصرف انگلیس‌درآمد و جزء امپراطوری شد یکنفرپارسی بنام‌رستم‌جی‌بود که‌خدمات ذیقیمت و فراموش نشدنی بمردم‌شهر نمود. هنگامیکه ضرابخانه درشهر بمبئی برپا نمودند تنها کسی که‌مورد اعتماد انگلیس‌ها واقع شد شخصی بنام رتن‌جی‌ازشهرسورت بود فهرست خدماتیکه این‌جمعیت‌کوچك(اما درواقع تبعیدشده‌ازسرزمین مادری) برای هندوستان انجام‌داده‌اند بسیار طولانی‌است وخود کتابی مفصل‌میخواهد ودراین مختصرهم قصد یادآوری تمام‌آن خدمات نیست بلکه فقط چندنمونه از آن یادآوری تمام آن خدمات نیست بلکه فقط چند نمونه ازآن یاد خواهدشد. افتخار روشن نمودن شهر بوسیله گاز برای یکنفر پارسی بنام اردشیر خورشیدجی‌وادیاست که‌در روزبیستم فوریه۱۸۳۴ موفق‌شددر خانه‌اش‌واقع‌درمزگان بمبئی از روشنائی‌گاز استفاده نماید. بهمان‌طریق اولین‌منزل‌شخصی‌بنام

نوروزجی‌وادیا بود که‌ازبرق‌دنیامیت‌استفاده‌میشد. جمشیدجی تاتا اولین نفری بود که در تمام هندوستان از اتومبیل برای‌سواری استفاده نمود .

درسال ۱۸۵۴ برای اولین‌بار یك‌نفر پارسی‌بنام‌رستم‌جی گرشاسب‌جی اقدام‌بچاپ‌سالنامه سال ۱۷۸۰ نموده .

قدیمترین‌چاپخانه‌ایکه درشهر بمبئی‌تاسیس‌وشروع‌بکار کرد بنام«چاپخانه بمبئی‌سماچار» است که بتوسط یکنفر پارسی بنام فریدون‌جی مرزبان که خود روزنامه‌نگارهم بود بکار افتاد اولین روزنامه‌ایکه درغرب‌هندوستان چاپ‌ونشر شد همان‌روزنامه **بمبئی‌سماچار**است که‌اولین شماره‌آن‌تحت سرپرستی فریدون‌جی مرزبان‌نام برده روزاول‌ژوئیه ۱۸۲۲ منتشرشد وتاکنون نیز ادامه‌دارد .

شاید برای خوانندگان خالی از فایده‌نباشد که‌یادآور شویم اولین‌کسی‌که‌درتندنویسی بدریافت تصدیق موفق شد درروزنامه (تیمنس‌اف‌انیدید)بکار مشغول گردید یکنفر پارسی بنام «بانوبائی‌چیچ‌گار» بود بایادآوری این مختصر خوانندگان ملاحظه‌خواهند فرمود که‌پارسیان درتمام شئون زندگانی اجتماعی وسیاسی وادبی وعلمی و غیره پیش آهنگ وبیش‌رو وپیشقدم بوده‌اند. از دیرزمان یعنی ازبدوورودبهندوستان پارسیان بداشتن سخاوت و شفقت و مهربانی مشهورند. همه کوشیده‌اند ومیکوشند از رنج همنوعان بهرطریقی که باشد بکاهند .

یکنفر اروپائی درسال ۱۶۹۰ نسبت بجمعیت پارسیان اینطور اظهار عقیده مینماید‌که «کمك به‌بینوایان‌ودستگیری از بیچارگان سرشتهٔ طبیعت این‌قوم‌است همیشه‌ودر هرموقعی که بتوانند برای آسودگی ابناء بشرگام‌برمیدارند وتاحد توانائی‌درکم‌نمودن‌باررنج‌وغم دیگران میکوشند وجزاین اززندگی منظوری ندارند» یکی‌دیگر از اروپائیان که در سال ۱۷۶۳ در هندوستان‌بوده‌است دربارهٔ‌پارسیان‌چنین مینویسد:

در همه‌حال سعی‌میکنند که‌نسبت بفقراء ودرماندگان مساعدت‌نمایند درمیان آنها بیکاره وگدا یافت نمی‌شود. من‌سرپیشرفت این‌مردم‌را درپیروی‌از گفتار آسمانی وخشور ایران‌میدانم. دراین‌صحایف ودر خلال این‌سطور سعی‌شده‌است‌که بطور خیلی‌مختصر گذشته عده‌معدودی نموده شود. آنچه‌که برنگارنده یقین‌است این‌است که‌ترقی وپیشرفت این‌قوم و ملت وفاداری نسبت بآئین ایران قدیم و پیروی از اندیشه نیك وگفتار نیك و کردار نیك است . یکنفر پارسی خشنودی خدای خودرا در خشنودی خاطر همسایه وکمك بهمسایه ونجات خود را در رهائی همنوعان‌ازدردو بدبختی میداند . بهردهکدهٔ در هندکه‌چندخانواده پارسی‌ساکن‌اند اگر قدم بگذارید آثار خیر این مردم ازقبیل عبادتگاه وپذیرشگاه وآموزشگاه وحتی یك‌چاه‌هم اگر باشد بچشم میخورد. این‌هیچ‌چیز دیگرنمیتواند باشد مگر براثر تعلیم اندیشه وگفتاروکردار نیك که پیروی ازآنرا رهائی‌روزرستاخیز میدانند وبهمین‌جهت است که‌بسخاوت وجوانمردی شهرهٔ آفاق‌شده‌اند.

مهمترین ودرخشان‌ترین تاریخ بشرهمان صفحاتی‌است که سرگذشت علم وهنر درآن‌به ثبت‌رسیده باشد.

دربین سالهای ۱۸۱۹ و۱۸۲۷ کـه دولت بفکر تاسیس مدارس بطـرز جدید افتاد پارسیان دانستند که‌باید ازاین فرصت به‌نحو شایسته استفاده‌کنند ونسل جوان‌را بسلاح دانش

بیارایند. از این جهت درایجاد بنگاههای فـرهنگی و تاسیس مدارس درشهر بمبئی قدمهای موثری برداشتند .

سال ۱۸۵۴ درتاریخ تعلیم وتربیت هندیکی ازسالهای بسیار درخشان زیرادراین‌سال بود که سه دانشگاههای بمبئی ومدراس وکلکته تاسیس شد وپارسیان از این فرصت استفاده نموده وعده‌زیادی بدانشگاه تازه‌تاسیس شتافتند وتوانستند که‌درمدت کوتاهی‌از میان جوانان ایشان دانشمندان‌و اطباءومهندسین‌وحقوق‌دانها وغیره تحویل جامعه‌داده وبرای‌خدمت‌بمملکت آماده‌نمایند. درتمام شئون زندگانی مردان برجسته ونامی‌ازمیان‌آنها برخاسته‌است. درتاریخ هند نوین نام پارسیانیکه در راه آزادی هندقدم برداشته‌اند سرلوحه‌اسامی کسانـی است که زندگانی‌خودرا وقف‌بدست‌آوردن استقلال کرده‌اند. مردان مانند دادبائی‌نوروزجی‌ومانکجی‌ها وتگروسهرابجی سکلات‌وله تنهااشخاصی‌هستند کـه در پارلمان انگلستان ازطرف هندوستان نمایندگی داشته‌اند. اینها بوده‌اند که نغمه‌آزادی هندرا در پارلمان انگلستان آغاز کردند. سرفیروزشاه مهتا باقدرت کم‌نظیر خود توانست اساس وپایه شهرداری شهر بمبئی را از روی اصول‌صحیح پی‌ریزی‌نماید وبپاس خدماتش مجسمه‌اش تابامروز در برابر شهرداری بمئی نصب است ودرروزهای عیدوجشن آنرا گل‌افشان مینمایندوخدمات این مرد که به«شیر هندوستان» ملقب‌است برای‌هند بطور عموم و برای جماعت پارسیان بطور خصوصی فراموش نشدنی است . مردانی‌مانند سهرابجی‌بیگالی ونوروزجی فریدون‌جی‌ودوسابائی کاراکاومانکجی خورشیدجی و وبهرامجی مالابادی وکیخسروکاراجی ودنیشاه‌واچه وپیرُوز ستنا وکاوسجی جهانگیرو هرمزجی مدی‌وخورشید نریمان وغیره وهمچنین کسانیکه در خارج از محیط بمبئـی میزیسته‌اند مانند رستمجی ازافریقای جنوبی وکاوس جـی‌از زنگبار و هرمزدجی مدی از هنگ‌کنگ و جمشید انـوشیروان جی از کراچی‌که همه از سر چشمه انسانیت سیر آب و بـرای خدمت بنوع بشر خویشتن‌را آماده نموده وبرای اعتلای نام پارسیان‌از هیچگونه فداکاری خودداری‌ننموده‌اند. هندوستان بدون‌شك استقلال‌میيافت‌و ازنعمت آزادی بهره‌مند میشد ولی‌باکوشش پارسیان‌خیلی زودتر این آرزوی دیرینه‌صورت‌عمل یافت. بامطالعه صفحات‌بعد که مختصری ازشرح زندگانی عده‌معدودی از مردگان‌پارسی‌است ملاحظه خواهدشد که چطور یك‌شاخهٔ کوچك بدرختی عظیم تبدیل‌شده وبرهمه کسانیکه بآن‌پناه‌برده‌اند صرفنظر ازقومیت وملیت یکسان‌سایه افکنده‌است. تاریخ ترقی وپیشرفت این‌مردم بهترین‌سرمشق ودرس برای ملتی‌است که‌میخواهدجلو برودودر زندگانی اجتماعی و سیاسی خود دارای نام و نشان باشد . فقط دو نمونه‌کافی‌است که‌نشان و آثار خیراو از قبیل مریضخانه ومدرسه وپذیرشگاه وغیره درهرگوشه شهربمبئی بچشم‌میخورد ودادابائی نوروزجی که‌پدرآزادی هندامروز لقب‌گرفته‌است این دونفر وقتی‌که خیلی کوچك بوده‌اند از نعمت داشتن‌پدر محروم‌شدند وازخانواده فقیربودند این‌دونفر بخوبی‌میدانستند که خداوند برای هرآفریننده رزقی‌آماده کرده‌است ولی‌هرگز رزق از آسمان بآشیانه‌مرغ‌نمیافتد بایستی درپی‌رزق درکاروکوشش بود. باشجاعت وپشت‌کاروزحمت وصرفه‌جوئی‌وراستی ودرستی‌و صداقت وامانت که ازگذشتگان خودبارث‌بردند چنان کوشیدند که‌یکی اوراحاکم‌وقت بنامیم اغراق نیست ودیگری نجات دهنده هندش اگربخوانیم دورازانصاف نخواهدبود .

اینها گفتار دانشمند انگلیسی‌را درنظر داشتند که‌گفته‌است «خدایان‌ثروت ودانش را دربرابر عرق‌پیشانی‌قرارداده‌اند» موفقیت بتدریج برسرآن دوسایه‌افکند تابجائیکه یکی بانی بزرگترین‌مرد سیاسی زمان‌خود شد وتاباامروزهم نام‌هردوزنده وجاویدان است. یکی‌ازبزرگان میگوید «مجموعه‌تاریخ یك ملت سرگذشت بزرگان‌آن‌ملت‌است» به‌پیروی‌ازهمین‌گفتاردر این مجموعه مختصر سرگذشت چندتن از کسانیکه برای آسایش اتباع بشر روزگار را طی نموده ودرمیان سایرین‌برجسته‌تر بوده‌اند آورده میشود. مطالعه‌کارهای این‌مردان بزرگ‌وسرگذشت کوشش‌آنها برای یك‌زندگانی بهتر خوانندگان را به‌تحسین‌و اعجاب وامیداردکه چگونه یك عده‌مردمان درواقع‌آواره ازخاك میهن وتبعیدشده از وطن‌توانستند که‌به‌پیروی از دستورات مذهبی‌خودشان بزرگترین مقام‌را درسرزمین دوست وبرادر خود بدست آورند که حتی برای اروپائیان متمدن‌هم این سرعت ترقی تعجب‌آوربوده است. علت سرعت پیشرفت واضح است. آنها باصفای قلب‌زیستند وبندای وجدان گوش دادند. آنها تواضع وآرامی و قناعت را پیشه ساختند وگرد خودخواهی وخودپرستی نگشتند. آنها دانستند که‌هرچیز درسایه سعی وکوشش بدست‌خواهد آمد وخلاصه بخداوند یکتا تکیه‌کردند واز دستورات مذهبی‌سرپیچی‌نه‌نمودند و بهمین‌جهت نه‌تنها قوم‌پارسی‌را نجات‌دادندوسربلند نمودندبلکه‌خدمات‌فراموش نشدنی‌نیز نسبت به‌مردم هندوایران هردوانجام‌دادند.

دکترفرهاد آبادانی

۲۱ مارس ۱۹۵۸ برابر فرودینماه ۱۳۳۸

اشکی زدیده‌ای بچکاند حدیث من

شمعم که هست دودودمی‌بی‌اثر مرا

چون شیشه شکسته بمیخانه وجود

لب از شراب‌کام‌نگردید تر مـــرا

«کلیم‌کاشانی»